

تحلیل و بررسی پندار تعارض حوادث عصر امام سجاد (ع) با نصوص امامت در پاسخ به شبهات «فیصل نور»*

** سعید رسالتی

*** عزالدین رضائزاد

چکیده

روایاتی را در منابع شیعه و در برخی موارد در منابع اهل سنت می‌توان یافت که دلالت بر خلافت و امامت دوازده امام می‌کند که همه از نسل پیامبر اکرم (ص) می‌باشند. این احادیث که به «نصوص امامت» شهرت یافته‌اند، به حدی فراوان‌اند که جای هیچ تردیدی در صحت آنها باقی نمانده و به اصطلاح به «تواتر» رسیده‌اند. یکی از نویسندگان معاصر وهابی به نام «فیصل نور»، در کتاب «الامامة و النص» تلاش کرده است تا با جستجو در منابع شیعه، روایاتی را که از نگاه وی در تعارض با نصوص امامت است، استخراج کرده و فقدان نصوص امامت را از آن نتیجه بگیرد. به زعم وی، تمامی نصوص امامت، وضعی و ساخته دست محدثان شیعه می‌باشد. در قسمتی از این کتاب که به امام سجاد (ع) اختصاص یافته است، روایاتی که در تعارض با نصوص امامت آن حضرت پنداشته شده است، بیان گردیده و فقدان امامت آن حضرت و همچنین سایر امامان نتیجه گرفته شده است. این نوشتار با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی در صدد نقد این دیدگاه برآمده و با استناد به نصوص امامت و تحلیل روایات مورد استناد فیصل نور به تبیین علت صدور چنین روایاتی پرداخته و به ادعای تعارض آنها پاسخ داده است.

کلید واژه‌ها: ملاصدرا، ابن عربی، بهشت، جهنم، نفس.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹.

** دکتری معارف اسلامی، دانشگاه معارف / resalati@yahoo.com

*** دانشیار گروه کلام اسلامی و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه /

rezanejad39@yahoo.com

مقدمه

یکی از مسائلی که متکلمان اسلامی و به ویژه متکلمان شیعی، پیرامون آن تحلیل‌ها و مطالب زیادی را ارائه کرده‌اند، مسئله امامت است و در این میان، بحث از مسئله «نص» جایگاه ویژه‌ای در میان مباحث امامت دارد.

نص به معنای اظهار هر چیزی است... و نص قرآن و حدیث هم از این معنا گرفته شده است؛ یعنی هر لفظی که تنها بر یک معنا دلالت کند و احتمال غیر آن معنا داده نشود. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۳۶۹)

در علم کلام، بحث نص بیشتر در خصوص مسئله امامت و جانشینی پیامبر ﷺ مطرح است. (شریف مرتضی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۶۵؛ حلبی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۲) شیعه بر آن است که روایاتی از پیامبر اکرم ﷺ بر امامت حضرت علی (ع) و سایر ائمه (ع) وارد شده است که از آن به نصوص امامت تعبیر می‌شود. این نصوص به حدی فراوان است که هیچ تردیدی در اصل صدور آن و هیچ ابهامی در مضمون و محتوای آن برای کسی باقی نمی‌ماند.

فیصل نور،^۱ نویسنده معاصر وهابی، در باب اول کتاب «الامامة والنص»^۲ بر این باور است که هیچ نصی از رسول گرامی اسلام ﷺ درباره اوصیاء و خلفای پس از ایشان نقل نشده و تمامی روایاتی که شیعه در منابع خود از آن به نصوص امامت یاد می‌کند یا جعلی و ساختگی‌اند و یا در اثر تعارض با روایات دیگر از اعتبار ساقط می‌باشند و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که هیچ نصی درباره امامت و خلافت امامان شیعه وجود ندارد. وی

۱. گرچه وی در در فضای مجازی بسیار فعال است، لیکن، از تمام آثاری که به نام فیصل نور، ثبت شده است، تنها می‌توان یک نام از او یافت و هیچ اطلاعات دیگری از وی موجود نمی‌باشد. در وبگاهی که به نام www.fnoor.com (موقع فیصل نور) می‌باشد، آثار فراوانی ضد تشیع و انقلاب اسلامی و مقاومت وجود دارد. از پژوهش‌های بسیار وسیع روایی و تاریخی در منابع شیعی، در کتاب «الامامة والنص» و همچنین آثار دیگر وی، می‌توان حدس قوی زد که این نام، یک نام مستعار بوده و خلق چنین آثار حجیم با انبوهی از اطلاعات، از عهده یک محقق بیرون است و در حقیقت، چندین محقق و با صرف زمان بسیار، در نگارش این کتاب و دیگر آثار این چنینی نقش داشته‌اند.

۲. این کتاب که با هدف مبارزه با مسئله «امامت» مطابق آنچه امامیه به آن اعتقاد دارد، نگاشته شده است، از چهار باب تشکیل شده است. باب اول درباره اعتقاد شیعه راجع به امامت و جایگاه آن و سپس نصوصی که دلالت بر این عقیده دارند و نقد این اعتقاد است. باب دوم به توضیح عقیده امامت در قرآن و بیان اینکه در قرآن هیچ گونه دلیلی بر این عقیده وجود ندارد و نقد دیدگاه شیعه در این باره، اختصاص دارد. باب سوم روایاتی را که اهل تشیع برای اثبات امامت علی (ع) به آنها استدلال می‌کنند، نقد کرده است و باب چهارم درباره صحابه و بیان فضائل و جایگاه صحابه در قرآن و سنت و اقوال ائمه شیعه و موضع‌گیری اهل تشیع در برابر این دلایل است.

روش فیصل نور در این کتاب این است که صرفاً با تکیه بر منابع شیعه به رد اعتقادات شیعه پرداخته و در حقیقت می‌خواهد مسئله امامت را با استناد به منابع شیعه بی‌اساس نشان بدهد.

در قسمتی از کتاب نامبرده که به امام سجاد (ع) اختصاص یافته است در تلاش است تا با استمداد از حوادثی که در زمان آن حضرت رخ داده است و با استناد به روایات مرتبط با آن، جهل و بی‌اطلاعی آن حضرت و همچنین پدر بزرگوارش حسین بن علی (ع) را نسبت به نصوص امامت به اثبات برساند.

با توجه به اینکه فیصل نور، نصوص امامت را از لحاظ سندی و دلالی بررسی نکرده، و فقط به دلیل تعارض این نصوص با یکدیگر، آنها را فاقد اعتبار دانسته، این نوشتار نیز صرفاً به دفع شبهه تعارض پرداخته است. بررسی سندی و دلالی این نصوص، مجال دیگری می‌طلبد. به عبارت دیگر، می‌توان چنین گفت که وی اعتبار نصوص امامت و همچنین دلالت آنها بر امامت و وصایت امیرالمؤمنین علی (ع) را به طور تلویحی پذیرفته است، اما به دلیل ناسازگاری ظاهری آنها، حکم به بی‌اعتباری این نصوص کرده است.

۱. یادآوری‌ها

الف) از آنجا که نوع پردازش به شبهه، جدید است، پیشینه‌ای در خصوص پاسخ به این شبهه یافت نشد. این پژوهش در صدد پاسخگویی به شبهه تعارض ادعایی روایات مرتبط با امامت حضرت سجاد (ع) با نصوص امامت بوده و در این راستا، با استناد به وجود نصوص قطعی امامت و تحلیل این روایات به ظاهر متعارض، آگاهی آن حضرت از آن نصوص را به اثبات رسانده است و در پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته و سرانجام به این نتیجه رسیده است که امام حسین (ع) به دلیل حفظ جان امام سجاد (ع) و بقای نسل امامت، علاوه بر وصیت و تصریح به امامت فرزندش علی بن حسین (ع)، به ظاهر به افراد دیگری نیز وصیت کرده است.

ب) نصوصی که به بیان تعداد و نام ائمه اثنی عشر (ع) پرداخته‌اند، در منابع روایی شیعه، فراوان یافت می‌شوند که برخی از این منابع عبارت‌اند از:

- «بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد (ص)» تألیف صفار؛

- «الامامة و التبصرة» اثر شیخ صدوق؛

- «الهدایة الکبری» اثر خصیبی؛

- «کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر» اثر خزاز رازی؛

- «مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر» نوشته جوهری؛

- «دلایل الامامة» تألیف طبری؛

- «الاحتجاج علی اهل اللجاج» تألیف طبرسی؛

- «كشف الغمة في معرفة الأئمة» اثر اربلی.

ج) در این مقاله، متن شبهه با توضیحاتی که شبهه‌گر به آن پرداخته، آورده شده و بر اساس همان متن، پاسخ ارائه شده است.
 د) از آنجا که فیصل نور مدعی است نقض نص امامت در متون شیعه وجود دارد و سعی دارد با هدف نشان دادن تعارض در روایات شیعه، نصوص امامت را نفی کند، تلاش شد مطابق استدلال شبهه‌گر، بر اساس روایات شیعه به شبهات پاسخ داده شود و عمدتاً از استشهداد به سایر منابع غیر شیعی، پرهیز شده است.

۲. شبهات مطرح شده

شبهه اول؛ تعارض وصیت امام حسین علیه السلام به حضرت زینب علیها السلام و دخترش فاطمه با نصوص امامت حضرت سجاد علیه السلام

مطابق نصوص امامت، امامت بعد از حسین بن علی علیه السلام به فرزندش علی بن حسین علیه السلام می‌رسد؛ بنابراین امام حسین علیه السلام می‌بایست قبل از شهادتش به فرزندش وصیت به امامت کند، در حالی که روایاتی در منابع شیعه یافت می‌شود که آن حضرت به خواهرش زینب علیها السلام، دختر امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت کرده است.

احمد بن ابراهیم روایت کرده است که خدمت حکیمه دختر حضرت جواد علیه السلام خواهر حضرت امام علی النقی علیه السلام رسیدم عرض کردم: شیعیان باید به چه کسی پناه برند(بعد از حسن عسکری علیه السلام)؟ گفت: به جده او.(فرزند حسن عسکری، که مقصود مادر امام یازدهم می‌باشد) گفتیم: آیا به کسی که وصیتش را به زنی کرده است، اقتدا کنیم؟ گفت: پیروی از حسین بن علی بن ابی‌طالب کرده است، زیرا حسین بن علی علیه السلام به سب ظاهر و صیای خود را به خواهرش زینب دختر علی بن ابی‌طالب علیه السلام سپرد و به خاطر حفظ و نگهداری از علی بن حسین علیه السلام، آن علم و دانشی که از علی بن حسین علیه السلام نقل و گزارش می‌شود، به زینب علیها السلام نسبت داده می‌شود.(صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۵۰۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۰)

همچنین مطابق روایتی دیگر، آن حضرت به دخترش فاطمه علیها السلام وصیت کرده است.

ابی‌جارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت سیدالشهداء علیه السلام هنگامی که اراده داشت به میدان جنگ برود، دخترش فاطمه‌ی کبری علیها السلام را خواند و نامه‌ای به هم پیچیده و وصیتی آشکار را به او داد و در آن حال علی بن حسین علیه السلام بیمار بود و کسی

فکر نمی‌کرد که پس از حسین (ع) زنده بماند، پس هنگامی که حسین (ع) شهید شد و خانواده‌اش به مدینه بازگشتند، فاطمه (ع) نامه را به علی بن حسین (ع) تحویل داد، سپس به خدا قسم - آن نامه به ما رسید. (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۶۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۰۳).

از نظر فیصل نور، اگر واقعاً علی بن الحسین (ع) امام منصوب از طرف خدای سبحان و رسول الله (ص) می‌باشد، چرا پدرش حسین (ع) به خواهرش زینب و دخترش فاطمه وصیت می‌کند؟ و به عبارت دیگر از دیدگاه وی، اگر آن گونه که امامیه ادعا می‌کند روایات دال بر امامت علی بن حسین (ع) و همچنین سایر امامان (نصوص امامت) وجود داشت، به طور حتم، حسین بن علی (ع) از آن آگاهی پیدا می‌کرد و با استناد به آن نصوص، به او وصیت می‌کرد؛ بنابراین وصیت آن حضرت به دو زن، حاکی از ناآگاهی حسین بن علی (ع) از آن نصوص و در نتیجه فقدان نصوص امامت می‌باشد. (فیصل نور، ۱۴۲۵ق: ۷۷)

پاسخ

چنان که در بیان شبهه آمد، انتقاد فیصل نور از وصیت امام حسین (ع) به دو زن است که فقدان نصوص در امامت را نتیجه گرفت، اینک علاوه بر روایات ویژه نص بر امامت حضرت سجاد (ع) در متون روایی، با تحلیل دو روایت مذکور به روشنی بطلان ادعای فیصل نور به دست می‌آید.

یکم) نصوص امامت در منابع فریقین

نصوص امامت، یعنی روایاتی که درباره تعداد و نام ائمه (ع) می‌باشد، در منابع شیعه و اهل سنت یافت می‌شود.^۱

فیصل نور، وجود روایات منصوص امامت در میان شیعه را منکر است، غافل از آنکه در جوامع روایی شیعه، نصوص امامت، فراوان یافت می‌شود، به طوری که در برخی موارد به مرتبه استفاضه و بلکه تواتر رسیده است.

- «احادیث اثنی عشر» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۲۵ و ۵۳۳)؛

- «احادیث منزلت» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۱۰۶؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۳۲۴)؛

- «حدیث ثقلین» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۱۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق (ب)، ج ۱: ۲۳۳)

۱. نگارنده، این روایات را در مقاله‌ای تحت عنوان «نقدی بر شبهات فیصل نور پیرامون نصوص امامت امام هادی (ع)» بیان کرده است.

- «حدیث غدیر». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۹۴؛ امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۶۰-۱۴) روایاتی اند که دارای اسناد معتبر بوده و مجموعاً علاوه بر اثبات حکومت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، جانشینی سایر ائمه علیهم السلام را نیز به طور قطع اثبات می کنند. مطابق احادیث «اثنی عشر» (که به صورت شفاف تر به مسئله تعداد و نام ائمه علیهم السلام اشاره دارد) پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده نفر از خاندان خود را به عنوان اوصیای خود به مردم معرفی نموده و این امر را به خداوند نسبت داده است. «تواتر» این احادیث نیز از سوی برخی از بزرگان شیعه همچون شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۵۶) و علامه حلی (حلی، ۱۳۷۹: ۱۷۷) گزارش شده است.

تعداد (دوازده امام) و نام ائمه علیهم السلام، به صورت های مختلفی بیان شده است. به عنوان نمونه، در برخی از این روایات، پس از ذکر نام شش امام اول، عبارت «یکمئه اثنی عشر» به کار رفته است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۲۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۲۱۷)؛ و در برخی روایات، نام همه دوازده جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، به صورت دقیق بیان شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۲۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۳۶)

روایاتی که به بیان تعداد امامان پرداخته اند، در بسیاری از منابع معتبر اهل سنت نیز موجود است. (مسلم نیشابوری، بی تا، ج ۶: ۳ و ۴؛ ابی داوود، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۰۹؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸: ۱۲۷؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۵۰۳)

در برخی از منابع اهل سنت حتی به نام ائمه علیهم السلام نیز تصریح شده است. (حموی، ۱۳۹۸ق، ج ۲: ۱۳۴؛ قندوزی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۴۹۹)

خوارزمی، از سلمان نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حسین علیه السلام را در آغوش گرفته و او را امام، فرزند امام و پدر نه امام که آخرین آنها قائم علیه السلام می باشد، مورد خطاب قرار داده است (خوارزمی، بی تا، ج ۱: ۱۴۶)

در منابع اهل سنت نیز همچون منابع شیعه، تعداد و نام ائمه علیهم السلام با عبارت های متفاوتی نقل شده است. مطابق برخی روایات، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از دوازده خلیفه پس از خودشان که دارای اوصاف و ویژگی های خاصی می باشند خبر داده اند. (مسلم نیشابوری، بی تا، ج ۶: ۳ و ۴؛ ابی داود، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۰۹؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸: ۱۲۷)

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ... ثُمَّ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ... يَا حُسَيْنُ ثُمَّ يَكْمَلُهُ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا... .

۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي علیه السلام قَالَ: أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ... أَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيُّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ... وَأَشْهَدُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى أَنَّهُ أَقَانِمٌ بِأَمْرِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ... وَأَشْهَدُ عَلَى رَجُلٍ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ لَا يُكْنَى وَلَا يُسَمَّى حَتَّى يَظْهَرَ أَمْرُهُ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا... .

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَىٰ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ خَلِيفَةً...».

برخی همچون قندوزی حنفی، اعتراف کرده‌اند که مقصود پیامبر اکرم (ص) از امامان دوازده گانه، همان اهل بیت ایشان بوده و این مطلب را با توجه به حدیث ثقلین و احادیث دیگر، قابل اثبات دانسته است. (قندوزی حنفی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۵۰۴)

نتیجه آنکه بر اساس نصوص قطعی مذکور که در منابع فریقین آمده است، امامان، دوازده نفر هستند که نام تک تک آنها، از جمله حضرت علی بن حسین (ع) به صورت شفاف و در برخی موارد با ذکر القاب و ویژگی‌هایی از آنان آمده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۲۷) بنابراین، با دو روایت به ظاهر متعارض نمی‌توان از این نصوص دست کشید.

دوم) آگاهی امام حسین (ع) از نصوص امامت با تحلیل دو روایت مذکور

با اندکی تأمل در این دو روایت، روشن می‌شود که امام حسین (ع) نسبت به نصوص امامت آگاهی کامل داشته و از آنجا که وصیت آشکار و صریح به فرزندش امام سجاد (ع) جان آن حضرت را به مخاطره می‌انداخت، به دو تن از زنان وصیت کرده است.

روایت اول؛ در روایتی که از احمد بن ابراهیم نقل می‌کند، وقتی که احمد بن ابراهیم به حکیمه می‌گوید: آیا به کسی که وصیتش را به زنی کرده است اقتدا کنم؟ حکیمه می‌گوید: به حسین بن علی (ع) اقتدا کن. حسین بن علی (ع) در ظاهر به خواهرش زینب (ع) وصیت نموده و به خاطر حفظ و نگهداری از علی بن حسین (ع) آن علم و دانشی که از علی بن حسین (ع) نقل و گزارش می‌شود به زینب (ع) نسبت داده می‌شود.

فَإِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) أَوْصَى إِلَى أُخْتِهِ زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ (ع) فِي الظَّاهِرِ فَكَانَ مَا يَخْرُجُ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) مِنْ عِلْمٍ يُنْسَبُ إِلَى زَيْنَبَ سَتْرًا عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع).

یک نکته اساسی در پاسخ این است که وصیت امام حسین (ع) ربطی به مسئله امامت ندارد. امام (ع) می‌تواند سفارش‌های گوناگونی به افراد مختلف داشته باشد. صرف اینکه آن حضرت به خواهرش زینب (ع) وصیت کرده است (که البته محتوای وصیت نیز نامعلوم است)، هیچ دلالتی بر عدم وصیت به امامت امام سجاد (ع) ندارد. از طرف دیگر، بنابر اعتقاد شیعه، هر دو امام سابق و لاحق از وضعیت امامت با خبر هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۷۶) و در حقیقت این حضرت زینب (ع) است که باید از امام خود بعد از شهادت امام حسین (ع) باخبر باشد، بنابراین ممکن است محتوای این وصیت، امامت امام سجاد (ع) جهت اطلاع حضرت زینب (ع) و دیگران بوده باشد.

علاوه بر آن، دو قرینه در این روایت وجود دارد که خلاف ادعای فی صل نور را ثابت می‌کند. قرینه اول، کلمه «فِي الظَّاهِرِ» می‌باشد که صراحت در این دارد که وصیت امام حسین علیه السلام به خواهرش زینب علیها السلام، ظاهری بوده و در حقیقت این و صایا به حضرت علی بن حسین علیهما السلام بوده است و به دلیل ظاهری بودن وصیت به یک زن و واقعی بودن وصیت به علی بن حسین علیهما السلام، هیچ تعارضی بین این روایت و نصوص امامت که حضرت علی بن حسین علیهما السلام را خلیفه پس از حسین بن علی علیهما السلام معرفی می‌کند، وجود ندارد.

قرینه دوم که در حقیقت شاهی بر قرینه اول می‌باشد، عبارت «سَتْرًا عَلَيَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام» می‌باشد.

در حقیقت، این عبارت، حکمت وصیت حسین بن علی علیهما السلام به خواهرش زینب علیها السلام را بیان می‌کند. از آنجا که یزید، جوانی ناپخته، خوشگذران و بی‌خرد بود و صراحتاً موضوع رسالت و نزول وحی بر پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله را انکار می‌کرد (ابن الجوزی: ۱۳۸۳ق: ۲۹۱) و کشته شدن حسین بن علی علیهما السلام را که نوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است، انتقام و تلافی کشته شدن بزرگان خود در جنگ بدر معرفی می‌کرد (قمی، ۱۳۳۳: ۴۴) هیچ باکی نداشت که علی بن حسین علیهما السلام را نیز همچون پدر بزرگوارش به شهادت برساند. امام حسین علیه السلام جهت حفظ و نگهداری علی بن حسین علیهما السلام و تداوم رشته امامت، بیماری مصلحتی امام سجاد علیه السلام را (مسعودی: ۱۳۷۳ق: ۱۶۷) بهانه‌ای برای وصیت به خواهرش زینب علیها السلام قرار داده بود.

روایت دوم؛ در روایت دیگر، امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: امام حسین علیه السلام، نامه و وصیت خود را به دخترش فاطمه داد. پس از شهادت حسین علیه السلام و بازگشت خانواده ایشان به مدینه، فاطمه کبری نامه را به علی بن حسین علیهما السلام تحویل داد، سپس به خدا قسم آن نامه به ما رسید.

إِنَّ الْحُسَيْنَ علیه السلام لَمَّا حَضَرَهُ الَّذِي حَضَرَهُ دَعَا ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى فَدَفَعَ إِلَيْهَا كِتَابًا مَلْفُوفًا وَ وَصِيَّةَ ظَاهِرَةً وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام مَرِيضًا لَأَيُّوْنَ أَنَّهُ يَبْقَى بَعْدَهُ فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ علیهما السلام وَ رَجَعَ أَهْلُ بَيْتِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ دَفَعَتْ فَاطِمَةُ الْكُبْرَى الْكِتَابَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیهما السلام ثُمَّ صَارَ ذَلِكَ الْكِتَابُ وَاللَّهُ إِلَيْنَا يَا زِيَادَ.

در این روایت نیز همچون روایت گذشته، دو قرینه وجود دارد که این روایت، هیچ تعارضی با نصوص امامت ندارد. قرینه اول، همان کلمه «ظاهرة» می‌باشد که توضیحش گذشت و قرینه دوم، ذیل روایت است که در آن امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: پس از بازگشت

اهل بیت حسین بن علی (ع) به مدینه، دخترش فاطمه، آن نامه (وصیت) را به علی بن حسین (ع) تحویل داد و سپس آن نامه به ما رسید. طبق این روایت، آن نوشته (کتاب ملفوف) به فاطمه داده شد تا پس از آن حضرت، به دست دشمنان نیفتد و هویت علی بن حسین (ع) آشکار نشود، ولی پس از بازگشت به مدینه و نبود خطر جانی برای علی بن حسین (ع) نوشته مذکور به صاحب اصلی آن می‌رسد.

از فیصل نور می‌پرسیم که اگر امام حسین (ع)، دخترش فاطمه را وصی خود قرار داده است و وظایف و مسئولیت‌های او در آن نامه آمده است، چرا وی همان نوشته را به علی بن حسین (ع) داده است؟ بنابراین، این روایت نیز هیچ تعارضی با نصوص امامت که علی بن حسین (ع) را وصی و جانشین حسین بن علی (ع) معرفی می‌کند ندارد.

از سوی دیگر، روایت صریحی در مجامع روایی شیعه وجود دارد که امام حسین (ع) قبل از خروج از مدینه به سوی عراق، به امامت فرزندش علی بن حسین (ع) و وصیت کرده است. به عنوان نمونه، مطابق روایتی که فیصل نور در چند صفحه بعد ذکر کرده است (فیصل نور: ۱۴۲۵ق: ۸۳) در آن نزاعی که بین محمد بن حنفیه و علی بن حسین (ع) رخ داد، امام زین العابدین (ع) فرمود: «ای عمو! به درستی پدرم پیش از آن که به عراق برود، در مورد امامت به من وصیت کرد و یک ساعت پیش از شهادتش از من عهد و پیمان گرفته و امر را به من واگذار نموده...» (کلینی: ۱۴۰۷ق، ج: ۱: ۳۴۸)

حاصل آنکه مطابق این روایات، امام حسین (ع)، از امامت علی بن حسین (ع) اطلاع داشته و اطلاع‌رسانی لازم به آن را هم انجام داده است و وصیت مورد اشاره در روایات، علاوه بر تعارض با روایات دیگر، بر مسئله امامت کسی جز حضرت سجاد (ع) دلالت ندارد.

شبهه دوم؛ ناآگاهی امام حسین (ع) نسبت به جانشین خود در فاجعه کربلا

مطابق روایتی که در بحار الانوار ذکر گردیده است، در فاجعه کربلا، امام زین العابدین (ع) در حالی که مریض بود و نمی‌توانست شمشیرش را بردارد، به سمت میدان نبرد، خارج شد و فرمود: ای عمه‌ام کلثوم، بگذارید تا همراه نوه پیامبر (ص) بجنگم. حسین (ع) فرمود: ای ام کلثوم! زین العابدین را بگیر و نگذار به دنبال من بیاید، مبادا زمین از نسل رسول الله خالی بماند:

... فَقَالَ الْحُسَيْنُ يَا أُمَّ كَلْثُومٍ خُذِيهِ لِنَلَّا تَبْقَى الْأَرْضُ خَالِيَةً مِنْ نَسْلِ

أَلِ مُحَمَّدٍ (مجلسی: ۱۴۰۳ق، ج: ۴۵: ۴۶)

از آنجا که به اعتقاد شیعیان، نصوص متعددی از رسول گرامی اسلام ﷺ پیرامون تعداد و نام امامان شیعه نقل شده است، قهراً امام حسین ﷺ می‌دانست که حضرت سجاد ﷺ پس از ایشان زنده می‌ماند و امام پس از ایشان می‌باشد. بر این اساس نباید هیچ هراسی از به میدان رفتن امام سجاد ﷺ داشته باشد، در حالی که مطابق روایت فوق، امام حسین ﷺ خوف کشته شدن آن حضرت را داشته و در صدد حفظ جان آن حضرت برآمده و مانع از رفتن به میدان می‌شوند و این خود حکایت از فقدان نصوص امامت دارد.

آیا حسین ﷺ نمی‌دانست که فرزندش زین‌العابدین به نص قطعی از طرف خدا و رسولش، امام پس از او می‌باشد و زمین خالی از حجتی از آل رسول ﷺ نیست؟ اگر با توجه به نصوص امامت، علم به امامت فرزندش داشت، نباید هیچ نگرانی از زنده ماندن جانشین خود داشته باشد. این ممانعت از رفتن به میدان توسط امام حسین ﷺ نشانه فقدان نصوص امامت بوده و در تعارض با امامت علی بن حسین ﷺ می‌باشد. (فیصل نور: ۱۴۲۵ ق: ۷۷)

پاسخ

اول؛ نصوصی در منابع روایی شیعه وجود دارد که نشان از آگاهی امام حسین ﷺ از نصوص امامت و همچنین امامت فرزندش علی بن حسین ﷺ قبل از جریان کربلا دارد.

اطلاع امام حسین ﷺ از امامت و جانشینی امام سجاد ﷺ

امام حسین ﷺ فرمود: پس از نزول آیه «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ» (انفال، ۷۵)، درباره تفسیر آن از رسول خدا ﷺ پرسیدم. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: به خدا قسم، جز شما مقصود دیگری ندارد. هرگاه که من مردم، پدرت علی ﷺ] به من اولی از هر کس دیگر است و هرگاه پدرت رفت، برادرت حسن ﷺ] به او اولی است و بعد از حسن ﷺ]، تو به او اولی هستی. گفتم: ای رسول خدا! چه کسی پس از من به مقام من اولی است؟ فرمود: فرزندت علی ﷺ] به تو سزاوارتر است و چون از دنیا برود فرزندش محمد ﷺ] به وی سزاوارتر است. (مجلسی: ۱۴۰۳ ق، ۳۶: ۳۴۴)

۱... قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ] فَمَنْ بَعْدِي أَوْلَىٰ بِي؟ فَقَالَ ابْنُكَ عَلِيُّ ﷺ] أَوْلَىٰ بِكَ مِنْ بَعْدِكَ، فَإِذَا مَضَىٰ فَابْتَهَ مُحَمَّدٌ ﷺ] أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ بَعْدِهِ... .

مطابق این روایت، امام حسین (ع) خود از لسان مبارک پیامبر گرامی اسلام (ص) شنیده است که فرزندش علی بن حسین (ع) جانشین پدر بزرگوارش می‌باشد که این مطلب با ناآگاهی آن حضرت از امام پس از خود در روز عاشورای سال ۶۱ هجری - که فیصل نور ادعا کرده است - سازگاری ندارد.

روایت دیگری نیز از حضرت حسین بن علی (ع) نقل شده است که در آن پیامبر اکرم (ص) خطاب به علی بن ابی طالب (ع)، اسامی تمامی جانشینان خود را معرفی می‌کند که نام علی بن حسین (ع) پس از نام پدرش حسین بن علی (ع) ذکر شده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِعَلِيِّ (ع) أَنَا أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ ثُمَّ أَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ بَعْدَكَ الْحَسَنُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ بَعْدَهُ الْحُسَيْنُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ بَعْدَهُ عَلِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ... (خزاز رازی، ۱۴۰۱:ق: ۱۷۷)

مطابق این روایت نیز امام حسین (ع) قبل از جریان کربلا، از جانشین خود و بلکه از همه جانشینان رسول اکرم (ص) اطلاع داشته است.

نصوص دیگری نیز از امام حسین (ع) نقل شده است که دلالت بر اطلاع آن حضرت از جانشینی فرزندش علی بن حسین (ع) دارد. (همان: ۲۳۳؛ حر عاملی، ۱۴۲۵:ق، ج ۲: ۱۷۹)

دوم؛ درست است که مطابق نصوص نبوی و غیر آن، امام حسین (ع)، علم به امامت و حیات علی بن حسین (ع) بعد از خودشان داشتند، لیکن، ائمه (ع) مأموریت داشتند که همچون سایر مردم، رفتار کرده و از اسباب و عوامل طبیعی تبعیت کنند و مراقب حفظ جان خود باشند و آن بزرگواران، جز در موارد خاص، علم غیب یا علم قطعی خود به امور آینده را در زندگی خود دخالت نمی‌دادند. در روز عاشورا نیز، مسئولیت حفظ جان امام زین العابدین (ع)، بر عهده اباعبدالله (ع) بود و اگر حضرتش به میدان می‌رفت، بدون تردید، به شهادت می‌رسید. بنابراین امام حسین (ع) با ممانعت از نبرد آن حضرت، باعث بقاء نسل ائمه (ع) شده است.

سوم؛ آیا پاسخ امام حسین (ع) چیزی غیر از این را می‌فهماند که حتی اگر تمام مردان کربلا و بچه‌ها کشته شوند، زین العابدین (ع) باید باقی بماند؛ چرا که استمرار امامت به زنده بودن او وابسته است؟

نکته در خور تأمل این است که آن حضرت فرمود: «مبادا زمین از نسل رسول الله (ص) خالی بماند». اکنون پرسشی که رخ می‌نماید این است که آیا فقط علی بن

حسین علیه السلام از نسل رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد که با کشته شدن ایشان، نسل پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از بین می رود؟ آیا خود حضرت زینب علیها السلام و دختران حسین بن علی علیه السلام و همچنین فرزندان امام مجتبی علیه السلام از نسل آن حضرت نبودند که با بودن آنها نسل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باقی بماند؟ بنابراین پیداست که حسین بن علی علیه السلام از این سخن خود، چیز دیگری را اراده کرده بودند که تنها با نصوص امامت سازگاری دارد و آن حفظ جان فرزندش به عنوان خلیفه رسول الله و امام بعدی می باشد.

به بیانی دیگر، اگر حسین علیه السلام اطلاعی از نصوص امامت نداشت، چرا زین العابدین علیه السلام را به میدان نبرد نیاورد تا ایشان نیز به سهم خود، نقشی در حمایت از پدر بزرگوارش در آن فاجعه ایفا کند؟ امام حسین علیه السلام که فرزند شیرخوارش را به میدان نبرد می آورد، آیا نمی توانست علی بن حسین علیه السلام را به میدان ببرد؟ امام سجاد علیه السلام به خاطر بیماری مصلحتی، در میدان نبرد حاضر نشد تا زمین از حجت الهی خالی نشود. برخی از تحلیلگران تاریخ این حقیقت را چنین آورده اند:

شیعه امامیه بر آن است که بیماری آن حضرت، در مدت کوتاهی آن هم در کربلا بوده است و پس از آن بهبود یافته و در حدود ۳۵ سال همچون سایر امامان از سلامت جسمی برخوردار بوده است و بی شک بیماری موقت آن حضرت در آن حادثه، عنایت خداوندی بوده است تا بدین وسیله از وظیفه جهاد معذور گردد (مسعودی: ۱۳۷۳ ق: ۱۶۷) و وجود مقدسش از خطر کشتار مزدوران یزید محفوظ بماند و از این رهگذر رشته امامت تداوم یابد. اگر حضرت بیمار نبود، می بایست در جهاد با یزیدیان شرکت کند و در این صورت همچون سایر فرزندان و یاران پدرش به شهادت می رسید و نور هدایت خاموش می شد. (پیشوایی: ۱۳۸۳: ۲۳۵)

شبهه سوم؛ تعارض جهل امام سجاد علیه السلام از جریان کربلا با نصوص امامت ایشان

فیصل نور می نویسد در بحار الانوار آمده است که:

در حدیثی طولانی از امام زین العابدین علیه السلام گزارشی از جریان کربلا آمده است که در ضمن آن، هنگام حرکت اسرا به طرف کوفه، زینب علیها السلام به امام سجاد علیه السلام تسلیمت گفت و ضمن حدیثی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است، درجات شهدا را به او مژدگانی داد. (خزاز رازی، ۱۴۰۱ ق: ۱۷۷؛ مجلسی: ۴۰۳ ق، ۴۵: ۱۷۹)

از نظر فیصل نور، اگر زین العابدین علیه السلام مطابق نصوص امامت، امام است، پس به همه چیز علم دارد و نباید به چیزی جاهل باشد تا نیاز به گزارش عمه اش زینب علیها السلام

داشته باشد، بنابراین، جهل آن حضرت، نشانی فقدان نصوص امامت و عدم امامت وی است:

والغریب أن زین العابدین کان جاهلاً بكل أحداث کربلاء، حتی بینت له ذلک زینب بنت علی رضی الله عنها و عزته و سلته و بشرته بدرجات الشهداء. (فیصل نور، همان: ۷۸)

پاسخ

اول اینکه در این روایت، هیچ سخنی از امام سجاد علیه السلام نقل نشده است که حاکی از بی‌اطلاعی ایشان از حوادث کربلا باشد، بلکه مطابق این روایت، حضرت زینب علیها السلام وقتی که حزن و اندوه و ناراحتی برادرزاده‌اش علی بن حسین علیه السلام را هنگام مشاهده اجساد شهدای کربلا، دید، روایتی را که «ام ایمن» از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره مقام شهدای کربلا و ردالت دشمنان نقل کرده است، برای آن حضرت بازگو کرده است و هرگز از نقل حدیث نزد حضرت سجاد علیه السلام نمی‌توان جهل آن حضرت را نتیجه گرفت، زیرا ممکن است گفته شود که امام سجاد علیه السلام از این حدیث و از آن حوادث، کاملاً اطلاع داشته است، لیکن اهداف دیگری از استماع این حدیث داشته است.

گاهی اوقات در استماع حدیث از دیگران، اهداف و مصالحی نهفته است که نادیده گرفتن آن، موجب قضاوت‌های نادرست می‌شود. به عنوان نمونه در مورد این روایت می‌توان گفت با اینکه امام علی بن حسین علیه السلام خود از حوادث کربلا و جایگاه شهدا و زوآر آنان اطلاع داشته است، لیکن وقتی که آن را در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌شنود، التیامی بر زخم‌های آن حضرت بوده و باعث کاهش حزن و اندوه حضرت می‌شود، البته این احتمال نیز بعید به نظر نمی‌رسد که حضرت علی بن حسین علیه السلام جهت آرامش بخشیدن و دل‌خوشی قلب عمه‌اش زینب کبری علیه السلام این حدیث را از خواهرش شنیده باشد، بدون اینکه علم خود به این حوادث را اظهار نماید. علامه مجلسی در این باره چنین گفته است:

ثم اعلم أن رواية سيد الساجدين عليه السلام هذا الخبر عن عمته و استماعه لها لا ینافی کونه عليه السلام عالماً بذلک قبله إذ قد تكون فی الروایة عن الغير مصلحة و قد یکون للاستماع إلى حدیث يعرفه الإنسان تأثير جدید فی أحوال الحزن مع أنه یحتمل أن یکون الاستماع لتطیب قلب عمته رضی الله عنها. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸: ۶۱)

دوم اینکه آنچه در روایات شیعه، درباره علم امام وارد شده است این است که ائمه علیهم السلام هرگاه اراده کنند چیزی را بدانند، بدون درنگ می‌دانند و نیازی نیست که به

تمام امور جزئی که پیرامون آنها رخ می دهد و یا امور دیگر، بالفعل آگاهی داشته باشند و این عدم آگاهی، ضرری به امامت آنها وارد نمی سازد. در کتاب شریف کافی، بابی است با عنوان «بَابُ أَنْ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِذَا شَاءُوا أَنْ يَعْلَمُوا عِلْمًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۵۸) که بیانگر همین مسئله است.

به عبارت دیگر، از دیدگاه امامیه، حداقل علمی که شیعه امامیه برای امام لازم می داند، این است که امام باید تمام علوم را که برای امامت و سعادت و هدایت بشر لازم است، دارا باشد و همچنین امام باید از سایر افراد زمان خود اعلم باشد (همان: ۱۹۲ و ۲۹۴) و اما مسائل و رویدادهای دیگر، بسته به مشیت و اراده ایشان است. (همان: ۲۵۸)

بنابراین ممکن است گفته شود که امام سجاد علیه السلام اراده آگاهی نسبت به همه مسائل و جزئیات جریان کربلا را نکردند، لذا علم به آن جزئیات را که ضرری هم به امامت ایشان نمی رساند، نداشتند.

نتیجه

۱. وجود «نصوص امامت» در منابع فریقین به اثبات رسیده و ادعای فقدان نصوص امامت، ادعایی بدون دلیل می باشد.

۲. وصیت حضرت حسین بن علی علیه السلام به حضرت زینب علیه السلام، «ظاهری» بوده و به جهت حفظ جان فرزندش علی بن حسین علیه السلام صورت گرفته است و این امر نشان از آگاهی آن حضرت نسبت به نصوص امامت دارد و فقدان نصوص امامت را نمی توان از آن نتیجه گرفت.

۳. از این سخن حسین بن علی علیه السلام: «مبادا زمین از نسل رسول الله صلی الله علیه و آله خالی بماند» روشن می شود که آن حضرت، با اطلاع کامل از نصوص امامت، جهت حفظ جان امام پس از خود، از میدان رفتن فرزندش علی بن حسین علیه السلام ممانعت فرموده است.

۴. گزارش حضرت زینب علیه السلام نسبت به جریان کربلا نزد برادرزاده اش علی بن حسین علیه السلام نمی تواند دلیل بر ناآگاهی آن حضرت نسبت به حوادث کربلا باشد، بلکه ممکن است استماع روایتی از رسول الله صلی الله علیه و آله را دلیل التیام زخمها و کاهش حزن و اندوه آن حضرت دانست و یا به جهت آرامش بخشیدن و دلخوشی قلب عمه اش زینب کبری علیه السلام این حدیث را از خواهرش شنیده باشد، بدون اینکه علم خود به این حوادث را اظهار بدارد. این احتمال نیز بعید به نظر نمی رسد که از آنجا که آن حضرت، اراده

آگاهی نسبت به جزئیات حوادث کربلا را نکردند، بالفعل نسبت به آنها علم ندارد و این مسئله، هیچ ضرری به امامت ایشان نمی‌رساند.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- ابی داود، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰)، *سنن ابی داود*، تحقیق: سعید محمد لحم، ج ۱، بیروت: دارالفکر.
- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق)، *الغدیر*، ج ۱، قم: مرکز الغدیر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، *صحیح بخاری*، بیروت: دار الفکر.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۸۳)، *سیره پیشوایان*، ج ۱۶، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵)، *اثبات الهداء بالنصوص والمعجزات*، ج ۱، بیروت: اعلمی.
- حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۴ق)، *تقریب المعارف*، قم: انتشارات الهادی علیه السلام.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۹)، *منهاج الکرامه فی معرفه الامامه*، ج ۱، مشهد: مؤسسه عاشورا.
- خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، تحقیق و تصحیح: عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم: بیدار.
- زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر التماموس*، ج ۱، بیروت: دارالفکر.
- سبط ابن الجوزی (۱۳۸۳ق)، *تذکره الخواص*، نجف: منشورات المكتبة الحیدریة.
- شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۰ق)، *الشافی فی الامامة*، تحقیق و تعلیق: سید عبدالزهراء حسینی، ج ۲، تهران: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الامالی*، ج ۶، تهران: کتابچی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۲، تهران: اسلامیه.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، تحقیق و تصحیح: محسن کوچه باغی، ج ۲، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، تحقیق و تصحیح: عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، ج ۱، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

- قمی، عباس (۱۳۳۳)، *تممة المنتهى في وقایع ایام الخلفاء*، ج ۲، تهران: طبع کتاب.
- قندوزی حنفی، شیخ سلیمان (۱۴۱۸ق)، *ینابیع المودة*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار*، تحقیق: جمعی از محققان، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۳ق)، *اثبات الوصیة*، ج ۴، نجف: المطبعة الحیدریة.
- مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت: انتشارات دار الفکر.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق) (ب)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تحقیق و تصحیح: مؤسسہ آل البيت، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷)، *الغیبة*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۱، تهران: نشر صدوق.
- نور، فیصل (۱۴۲۵ق)، *الامامة والنص*، یمن: انتشارات دار الصدیق.